



بحران سینما آینه بحران نهادها

امیر جعفرزاده

صورت ملموسی عیان است. در حالی که عوامل تولید فیلم با زحمت‌های فراوان به تولید فیلمی در چندین ماه دست می‌زنند، عرضه‌کنندگان عمده سی‌دی‌های قاچاق می‌توانند به راحتی، با کپی برداری از فیلم، به عرضه ارزان این فیلم‌ها بپردازند و سود سرشاری ببرند. بخصوص این که به تازگی توانسته‌اند، همزمان با اکران فیلم، سی‌دی‌های فیلم در حال اکران را عرضه کنند.

از دید اقتصاددانان نهادگرا، پیشروی فعالیت‌های جامعه‌ای در جهت فعالیت‌های غیر مولد تنها ناشی از سیستم اقتصادی اجتماعی است که حرکت در جهت غیر مولد را ترغیب می‌کند. اقتصاددانان نهادگرا، اعتقاد دارند که نوع نهادها و نحوه شکل‌گیری آنها و ارتباط آنها با هم، چارچوب نهادی‌ای را شکل می‌دهد. این چارچوب نهادی بر رفتار افراد جامعه اثر می‌گذارد. یعنی در کنار این که هر فردی در فعالیت‌های اقتصادی‌اش از عقلانیت برای حداکثر کردن سود و مطلوبیتش استفاده می‌کند، از چارچوب نهادی جامعه نیز تاثیر می‌پذیرد. این چارچوب نهادی، سیستم پاداش‌دهی اقتصادی اجتماعی را تعیین می‌کند. این سیستم پاداش‌دهی، به فعالیت‌ها در جامعه شکل می‌دهد. این که

سرمایه‌گذاران برای انجام تولید از امنیت سرمایه‌شان مطمئن نخواهند بود و این به مراتب آثار زیانبارتری به اقتصاد ایران تحمیل می‌کند.

در این میان اما نهادهای مسوول در ارتباط با این مساله به جای قبول مشکلات پیش آمده و حل کارشناسانه و ریشه‌ای مشکلات، در پی شانه خالی کردن مسوولیت از ناحیه خودشان هستند. همچنین کمتر گزارشی در این چند وقت به چاپ رسیده که در مورد ریشه‌یابی و بررسی چرایی به وجود آمدن این پدیده باشد. در حالی که حل هر مشکلی نیاز به تحلیلی درست از پدیده مورد نظر دارد.

سیستم پاداش‌دهی اقتصادی

مهمترین مساله‌ای که در چند دهه اخیر در خصوص فعالیت‌های تولیدی در ایران صورت گرفته است، تشکیل سیستم پاداش‌دهی اقتصادی در جهت فعالیت‌های سوداگرایانه و واسطه‌گری بوده است. به این صورت که بیشترین ارزش افزوده در فعالیت‌ها به جای این که به دست تولیدکنندگان برسد، به دست واسطه‌گران و توزیع‌کنندگان می‌رسد.

در صنعت سینما نیز شاهد این امر بوده‌ایم. در خصوص اشاعه سی‌دی‌های قاچاق این مساله به

منوچهر محمدی، تهیه‌کننده سینما در مورد تکثیر غیرقانونی فیلم‌های در حال اکران و توزیع آنها گفته است به نسبت سرقت مال و اموال، فشار روانی بسیار سنگینی برای سینماگران در پی دارد چون وقتی کسی مالباخته می‌شود، نه مال را می‌بیند و نه دزد اموالش را، ولی ما هم مال دزدی شده را در حال فروش می‌بینیم و هم دزدها مقابل چشم همگان فعالیت می‌کنند!

این است حکایت سینماگران ایرانی در چند ماه اخیر. مساله‌ای که منجر به رکود بیش از حد فروش فیلم در این چند ماهه شده است. و این مساله تا آن جایی پیش رفته که در خصوص تولید فیلم از ناحیه تهیه‌کنندگان تردید جدی وجود دارد، به گونه‌ای که جمعی از تهیه‌کنندگان مهم سینمای ایران رسماً خواستار اعلام نظر اتحادیه در مورد توقف کامل تولید فیلم شدند.

این یعنی تعطیلی سینمای ایران که آثار زیان‌بار اقتصادی و اجتماعی زیادی خواهد داشت. تعطیل تولید فیلم‌های سینمایی به بیکاری ۲۱ صنف منجر خواهد شد، ولی در عین حال باید موضوع امنیت سرمایه و احتمال تداوم آن را مورد بررسی و کارشناسی قرار داد. زیرا که در این صورت، دیگر،

فعالیت‌های یک جامعه در جهت تولیدی و مولد باشد، معلول این سیستم پاداش‌دهی اقتصادی است. زیرا افراد جامعه، فعالیت‌هایشان را در جهتی شکل می‌دهند که پاداش‌های بیشتری را دریافت کنند. در حقیقت، اغلب افراد در پی حداکثر کردن سود خودشان هستند. به همین دلیل دست به فعالیتی می‌زنند که سود بیشتری را نصیب آنها کند. اگر سیستم پاداش‌دهی فعالیت‌های مولد را تشویق نماید، طبیعی است فرد در چارچوب فعالیت‌های مولد سود خود را حداکثر می‌کند و در این حالت، فعالیت‌های مولد رواج می‌یابند. برعکس، هرگاه سیستم پاداش‌دهی فعالیت‌های غیر مولد را ترغیب کند، افراد در چارچوب فعالیت‌های غیر مولد، سودشان را حداکثر

می‌کنند. حرکت در چارچوب فعالیت‌های غیر مولد گسترش می‌یابد و در نهایت این مساله تا آن جا پیش می‌رود که دیگر انجام فعالیت‌های تولیدی به صرفه نمی‌شود. کاهش توان تولیدی در مجموع فعالیت‌ها در نهایت موجب کاهش درآمد ملی گشته و کشور را در جهت تکیه بیشتر به منابع مالی حاصل از نفت و اقتصاد تک محصولی پیش می‌برد.

اما در زمینه صنعت سینما سوالی که مطرح است این است که چه نهادهایی موثرند تا سیستم پاداش‌دهی اقتصادی اجتماعی، فعالیت‌های غیر مولد را تشویق کند؟ در این مقاله این نهادها و نحوه تاثیرشان در شکل‌گیری این سیستم پاداش‌دهی، معرفی می‌شود.

وزارت ارشاد

طبق قانون، کلیه فعالیت‌های سینمایی از قبیل تولید فیلم، گرفتن مجوز فیلم و پخش در سالن‌های سینما، تحت نظارت وزارت ارشاد است. همچنین این وزارتخانه متولی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای توسعه فعالیت‌های سینمایی می‌باشد. از این رو اگر مشکلاتی در خصوص تولید و پخش فیلم وجود دارد ناشی از سیاست‌گذاری‌های نادرست و یا عدم اجرای سیاست‌های اتخاذ شده می‌باشد. سینمای ایران در چند سال گذشته از نظر تولید و نیروی انسانی رشد چشمگیری داشته است؛ اما در بخش نمایش و توزیع، هیچ رشدی نداشته و کاملا

متوقف مانده است، واقعیت این است، سینماگران ما از کسانی که درباره سینما سیاست‌گذاری می‌کنند، جلوتر هستند؛ اما کاری از دستشان بر نمی‌آید، چون سینمای دولتی به برنامه‌ریزی دولتی نیاز دارد. انجام سرمایه‌گذاری برای ایجاد سالن‌های جدید و استاندارد و ارتقا دادن سطح سالن‌های موجود، مسایلی هستند که وزارت ارشاد بایستی با همکاری سایر سازمان‌ها انجام می‌داد، که در این جهت چندان موفق نبوده است. البته ایجاد تسهیلات برای سرمایه‌گذاران داخلی نیز می‌توانست منجر به مشارکت بخش خصوصی برای تاسیس سالن‌های سینما شود. اما مسوولان امر آن قدر در انجام دادن این وظایف کوتاهی کردند و یا با تنگناهای اقتصادی و مدیریتی

محمد مهدی دادگو، تهیه‌کننده سینما و عضو هیات مدیره خانه سینما در خصوص سالن‌های سینما اعتقاد دارد که: "سالن‌های سینما در ایران به ویژه شهرستان‌ها اندک است، بنابراین مجبوریم برای این که بتوانیم تعداد فیلم بیشتری در سینماها اکران کنیم، زیاد مقید اکران همزمان فیلم در تهران و شهرستان‌ها نباشیم".

از طرفی هزینه تهیه کپی در تیراژ بالا در شرایط کنونی سینمای ایران برای تهیه‌کنندگان مقدور نیست، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت فیلم‌ها به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها به نمایش درآیند. دادگو با یادآوری این نکته که وضعیت سالن‌های



مواجه بودند که نهایت امر به این جا می‌رسد که صنعت سینما در وضعیت بحرانی قرار می‌گیرد. البته این کم‌کاری‌ها تنها ثمره وزارت ارشاد کنونی نیست بلکه ناشی از سیاست‌های وزارت ارشادهای قبلی نیز می‌باشد. به طوری که مشاهده می‌کنیم در حال حاضر حدود ۱۲ استان در کشور ما اصلا سینما ندارند و بسیاری از خانواده‌ها از امکان دسترسی به یک تفریح سالم محروم هستند.

کیفیت نمایش فیلم در سالن‌های سینما آن چنان ضعیف است که گاهی تصویری که از تلویزیون پخش می‌شود به آنها ارجحیت دارد. در این شرایط نباید توقع داشت مردم از یک سی‌دی که بابت آن ۸۰۰ تومان هزینه می‌کنند، بگذرند و به سینما بروند.

سینما در شهرستان‌ها اصلا مطلوب نیست و سینماها هیچ جذابیتی برای مردم ندارند، گفت: در برخی از کشورها وقتی مردم سی‌دی یا دی‌وی‌دی فیلمی را در خانه و با سیستم نمایش خانگی می‌بینند، تمایل پیدا می‌کنند همان فیلم را در سالن سینما تماشا کنند؛ اما در ایران آن قدر سالن‌های سینما مشکل دارند که مردم ترجیح می‌دهند فیلم را با کیفیت حتی پایین با تلویزیون خود ببینند.

اما نکته جالب این است که به جای آن که مسوولان وزارت ارشاد، مسوولیت این مسایل را بپذیرند و سعی در اصلاح رویه سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در سینما کنند، انگشت اتهام را به عاملین سیاسی نشانه می‌روند.

تلویزیون و موسسه رسانه‌های تصویری

در حالی که تلویزیون و موسسه رسانه‌های تصویری می‌توانستند نقش مکمل سالن‌های سینما را برای پخش فیلم‌های سینمایی ایرانی به عهده بگیرند، اما گویا قادر به ایفای چنین نقشی نبودند. سخنگوی خانه سینما در این باره اعتقاد دارد: بخش توسعه سیستم دی وی هم در کشور ما نادیده گرفته شده است.

واقعیت این است که موسسه رسانه‌های تصویری که به منظور تقویت نیازهای مردم در حوزه شبکه نمایش خانگی راه‌اندازی شده است، در مدت فعالیت خود نتوانسته است درست عمل کند و به درخواست مردم پاسخ دهد، در شرایطی که علاقه‌مندان به سینما و مردم عادی می‌توانند با مبلغ ناچیزی دی وی دی فیلم‌های خارجی را با بالاترین کیفیت از بازار آزاد تهیه کنند و به طور مسلم کسی سراغ محصولات داخلی که از استانداردهای جهانی هم برخوردار نیستند، نمی‌رود.

اگر فیلم‌های پخش شده از موسسه رسانه‌های تصویری و تلویزیون، اصل نسخه سینمایی باشد و با فاصله کمتری نسبت به آن پخش شود، دیگر مردم تمایلی به خرید سی دی قاچاق پیدا نمی‌کنند. اما سانسورهای زیاد و ناشیانه و غیر حرفه‌ای در این دو سازمان، انگیزه‌ها را برای خرید سی دی زیاد کرده است. این شبکه‌ها در حالت طبیعی قادرند ۲۵ تا ۳۰

درصد هزینه‌های یک فیلم را با خرید رایت آنها جبران کنند و با وجود سرقت و قاچاق فیلم‌ها آنها نیز مجبورند فیلم‌ها را با قیمتی بسیار نازل خریداری کنند.

در کنار سانسورهای سلیقه‌ای این دو موسسه، عدم تبلیغات مناسب تلویزیون برای تولیدات سینمایی را می‌توان عامل دیگری دانست. تلویزیون می‌توانست با تبلیغات تیزرهای همه فیلم‌های سینمایی، مردم را نسبت به دیدن فیلم در سالن‌های سینمایی تشویق نماید. اما تلویزیون صرفاً به پخش تیزرهای برخی از فیلم‌ها اکتفا می‌کند. در نهایت تلویزیون به

عنوان مهمترین رسانه تاثیرگذار بر مردم، تلاش چندانی برای سوق دادن سلیقه مردم در جهت دیدن فیلم‌های سینمایی در سالن‌های سینمایی انجام نداده است و یا اگر تلاش‌هایی داشته چندان نتوانسته موثر باشد به طوری که بسیاری رفتن به سالن‌های سینما را که هزینه بیشتری نسبت به دیدن فیلم در شبکه خانگی دارد، بیهوده می‌دانند. در حقیقت سلیقه اغلب مردم در جهت رفتن به سینما وجود ندارد، و گرنه حتی با وجود سی دی‌های قاچاق، باز هم مردم برای رفتن به سینما تمایل پیدا می‌کردند زیرا با وجودی که در برخی ویژگی‌ها دیدن فیلم در سینما و شبکه‌های خانگی با هم مشترکند، اما این دو وجوه، افتراقی دارند که به طور کامل نمی‌توانند جای هم دیگر را بگیرند و جانیفتادن سینما بین مردم موجب می‌شود که دیدن فیلم در خانه جانشین رفتن به سینما شود.

مجلس شورای اسلامی

یکی از مهمترین نهادهای تاثیرگذار مجلس شورای اسلامی است، چرا که تقریباً همه دست‌اندرکاران ماجرا معتقدند نبود قانون لازم برای برخورد جدی با عوامل تکثیر و توزیع غیرمجاز، بزرگترین خلأ در این حوزه است. با این حال، قانون مذکور که در کمیسیون قضایی مجلس، تهیه و تصویب شده، هنوز به صحن علنی نرفته است و برای تصویب و اجرایی شدن آن، دست کم چند ماه باید

منتظر باشیم. برای هر اقدام قانونی نیاز به قانون است. به همین دلیل حرکت سریع مجلس شورای اسلامی می‌توانست منجر به این شود که فروش سی دی‌های قاچاق و حتی خریدن آنها جرم شناخته شود و با پیگیری‌های خود مجلس، این قانون اجرا شود. همچنین اگر هم اکنون قانونی وجود می‌داشت که طی آن ساز و کار شناسایی عوامل پخش در آن تعیین می‌شد، نهادهای مسوول با پیگیری این اقدام می‌توانستند برای اجرای هر چه بهتر حقوق مالکیت معنوی آثار بکوشند. اما گویا عکس‌العمل مجلس، چندین ماه طول خواهد کشید و تا این قانون تصویب شود و به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ شود، بسیار طول می‌کشد. این جاست که جمله‌ی معروف جان مینارد کینز، اقتصاددانان بزرگ قرن ۲۰ به صورت ملموسی مشاهده می‌شود. وی گفته بود ما در بلندمدت مرده‌ایم و الان در ایران باید بگوییم در بلندمدت سینمای ایران تعطیل خواهد شد. بنابراین نباید مجلس این قدر دیر نسبت به این پدیده عکس‌العمل نشان دهد. این دیر عکس‌العمل نشان دادن نشان از عدم انعطاف‌پذیری این نهاد قانون‌گذاری نسبت به اتفاقات پیرامون است. در حالی که هدف از وجود چنین مجالسی ایجاد قوانین بروز و مرتبط با مسایل روز و حل آنها می‌باشد. اما آیا مجلس در خصوص صنعت سینما این رسالت را به خوبی انجام داده است؟

مدارس و دانشگاه‌ها

این مراکز تاثیر زیادی بر افکار عمومی مردم دارند زیرا هر عضوی از این مراکز نفوذ زیادی در خانواده خود دارد و اگر آنها در خصوص جذابیت‌های دیدن فیلم در سینما (کار فرهنگی برای بردن افراد به سینما) توجیه شده بودند و دیدن فیلم به نوعی کالای ضروری تبدیل می‌شد، خانواده‌ها نیز به این صورت عمل می‌کردند. در این صورت دیگر خانواده‌ها دیدن فیلم در خانه را به دیدن فیلم در سینما ترجیح نمی‌دادند و این بحران به وجود نمی‌آمد. در مرحله بعد این مراکز می‌توانستند در خصوص این که خرید سی دی‌های قاچاق لطمات زیادی به اشتغال و تولید داخلی زده و لطمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد ایران وارد می‌سازد، برنامه‌های علمی و آموزشی بسازند. الان چند مقاله علمی در این زمینه که هزینه‌های تعطیلی صنعت سینما به اقتصاد ایران چقدر است، چاپ شده است؟ در این خصوص چند تن از اساتید مرتبط با رشته‌های هنر، سینما و حتی اقتصاد





قوه قضاییه

قوه قضاییه می‌توانست با برخورد‌های با قاطعیت بیشتر، احتمال دستگیری و شناسایی و محکومیت‌های سنگین را به عوامل فروش منتقل کند. این انتقال منجر به افزایش هزینه‌های فروش سی‌دی‌های قاچاق شده و رونق این بازار را تا حدودی از بین می‌برد. هر چند این قوه برخورد‌های خوبی از خود نشان داده اما اگر این برخوردها علنی‌تر بود و با قاطعیت بیشتری انجام می‌شد، موجب ترس عوامل فروش قاچاق فیلم‌ها می‌شد.

در اقتصاد این مساله مطرح است که هرگاه فردی دست به ارتکاب جرمی می‌زند، منافع احتمالی این کار به هزینه‌های احتمالی آن بیشتر است و گرنه مجرم دست به این کار نمی‌زد. بنابراین اگر ریسک در خصوص انجام فعالیتی بیشتر شود، هزینه‌های احتمالی آن زیاد می‌شود و می‌توان با این کار از رونق فعالیت کاست.

در خصوص فروش سی‌دی‌های قاچاق نیز همین مساله وجود دارد. قوه قضاییه و نیروی انتظامی می‌توانستند هزینه‌های احتمالی این فعالیت را زیاد کنند و از رونق این فعالیت بکاهند. مساله‌ای که حداقل در حد کافی انجام نشده است.

نتیجه‌گیری

در نهایت می‌توان گفت که مجموع نهادهای مورد بحث و نوع واکنش آنها در این که این بحران به وجود آمده است، موثر بوده‌اند. نهادها و سازمان‌های فرهنگی در خصوص عدم بالا بردن کیفیت تولیدات سینمایی، عدم ساخت سالن‌های سینمای استاندارد، عرضه نکردن محصولات فرهنگی مکمل، عدم فرهنگ‌سازی مناسب برای مردم و جا نیفتادن دیدن فیلم در سینما میان مردم، عملکرد به موقع و کافی نداشته‌اند. سازمان‌های قضایی و انتظامی نیز نتوانستند در حد لازم هزینه‌های احتمالی فعالیت در زمینه عرضه سی‌دی‌های قاچاق را بالا ببرند. مجلس شورای اسلامی نیز قانون متناسب با نیاز امروزه سینما برای رعایت کپی رایت را تصویب نکرده است. مجموع این مسایل منجر به رسیدن صنعت سینما به بحران شده است و این سوال برای همه علاقه‌مندان به سینما به وجود آمده است که: آیا چند ماه بعد می‌توانیم شاهد دیدن فیلم‌های ایرانی از پرده‌های سینما باشیم؟

سی‌دی‌های مستهجن و حتی سیاسی را پخش نمایند؟ در این موارد نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد اما اگر احتمال این مسایل باشد آیا امنیت کشور به خطر نخواهد افتاد؟

در همین رابطه محمدی، تهیه‌کننده سینما اعلام کرده است که: وقتی یک لوح فشرده در عرض ۲۴ یا ۴۸ ساعت در کل ایران و شبکه‌های خارجی قابل دسترسی می‌شود، باید به پتانسیل بالقوه این شبکه غیرمجاز آگاه باشیم و بدانیم اگر این شبکه یک روز کسب سرمایه و پول را در یک اقدام ضد اخلاقی و حتی سیاسی بداند، می‌تواند به لحاظ امنیتی نیز مثلاً با تکثیر یک سی‌دی مستهجن یا سیاسی بسیار بحران‌زا و خطرناک‌تر عمل کند.

بارها و بارها نیروی انتظامی بر این نکته تأکید داشته که باید این عوامل شناسایی و دستگیر شده و برخورد محکمی با آنان صورت گیرد. اما همچنان این مساله حل نشده است و این نمی‌تواند نشانه خوبی برای قدرت نیروی انتظامی باشد. البته کارهای خوبی از طرف نیروی انتظامی صورت گرفته است از جمله این که: تاکنون ۷۵۴ واحد صنفی مرتبط با محصولات سمعی و بصری بررسی شده که ۶۰ واحد پلمپ شده و ۷۰ نفر در این رابطه دستگیر و روانه مراجع قضایی شده‌اند.

البته لازم به یادآوری است که منظور از سیستم امنیتی صرفاً نیروی انتظامی نیست.

عکس‌العمل علمی نشان داده‌اند؟ آیا عدم عکس‌العمل مراکز علمی مرتبط ناشی از انفعال آنها نیست؟ طبیعی است وقتی دانشگاه‌ها نسبت به این موضوعات (و احتمالاً هر موضوع به روزی) منفعل هستند، مدارس هم نمی‌توانند در این زمینه کاری کنند.

سیستم امنیتی کشور

در کنار خیابان‌ها و در مکان‌های پرتردد به راحتی سی‌دی‌های قاچاق فیلم‌ها به فروش می‌رسد. حتی این اواخر، فروش سی‌دی‌های فیلم‌های در حال اکران در کنار سینمای پخش‌کننده فیلم‌ها دیده می‌شود. آیا سیستم امنیتی قادر به دستگیری این افراد نیست؟

سی‌دی‌های اغلب دستفروشان و سی‌دی‌های قاچاق یک شکل است. این نشان می‌دهد که این عوامل فروش خرد از جایی تغذیه می‌شوند. آیا سیستم امنیتی توان شناسایی عوامل فروش عمده را ندارد؟ یا این که در سیستم امنیتی حساسیتی نسبت به این مساله وجود ندارد؟

به هر حال هر کدام از اینها که باشد برای سیستم امنیتی چندان خوشایند نیست؟ آیا مسوولان مربوط احتمال این که شبکه عرضه‌کننده سی‌دی‌های قاچاق در حال محک زدن توانایی سیستم امنیتی است را نمی‌دهند؟ آیا آنان احتمال نمی‌دهند که این عرضه‌کنندگان با قدرتی که هم اکنون دارند، بتوانند